

هُوَ اللهُ - ای سَمِیَّ حضرت مقصود، گمان منما گه این زندانی...

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



هُوَ اللهُ

ای سَمِیَّ حضرت مقصود، گمان منما که این زندانی یاران ربّانیرا فراموش نماید اگر در صدور نامه قصور گردد این از حصول موانع مجبره موفور است و الاّ عبدالبهاء را آرزو چنان که بیاران هر دم نامه نگارد و پیاد روی و خویشان پردازد. امّا دل و جان شب و روز با نهایت عجز و نیاز بدرگاه احدیّت در مناجات که ای دلبر مهربان عاشقان را پرتو جمال بنما و مشتاقان را بنسیم جان پرور زنده نما تشنگان را مآء معین ده و منجذبان را موهبت مخصوص مبذول دار. علی الخصوص آن خاندان که رجال قدمای یاران و نساء سر حلقه امآء رحمن. در بدایت اشراق پرتو نیر آفاق گرفتند و بهدایت کبری موفّق شدند. همواره پر نشئه از جام سرشار بودند و زنده برائحه طیبیه آن زلف مشکجار خدام امین بودند و امآء نور مبین. پرورد گارا آن دودمان را بنواز و مظاهر موهبت ابدی ساز تا ترا بستایند و محفل محبت الله بیاریند و قوت ید بیضا بنمایند و علیهم و علیهنّ البهآء الابهی ع



ORIGINAL



AUDIO